

تأثیر بوعلی سینا بر سایر عارفان عرفان عملی

دکتر فرشته ندری ایبانه - بیست و چهارمین نشست از مجموعه درس گفتارهایی درباره بوعلی سینا

چهارشنبه ۱۴۰۰/۶/۳

بیست و چهارمین نشست از مجموعه درس گفتارهایی درباره بوعلی سینا با همکاری مرکز فرهنگی شهر کتاب و بنیاد علمی و فرهنگی بوعلی سینا در روز چهارشنبه ۳ شهریور برگزار شد. این نشست به سخنرانی دکتر فرشته ندری ایبانه با موضوع «بررسی تأثیرات مقامات العارفین بوعلی سینا بر متون عرفان عملی» اختصاص داشت. این درس گفتار به صورت مجازی از اینستاگرام شهر کتاب پخش شد.

ابن سینا هر چند در فلسفه مشاء و طبابت شهرتی عام یافته است و وی را ارسطوی جدید نامیده اند، اما در حوزه عرفان نامور و از حق تقدم برخوردار نشده است در حالیکه بررسی آثار و احوال ایشان نمایانگر احراز این حق است. وی آثاری مانند حی بن یقظان، سلامان و ابسال، قصیده عینی، ترغیب بردعا و چند رساله دیگر در حوزه عرفان نگاشته است. مهم ترین اثر عرفانی ابن سینا، مقامات العارفین در نمط نهم اشارات است که بسیار مهم است و تعلق ابن سینا را به عرفان اسلامی به خوبی نشان می دهد. این اثر بر متون عرفان عملی مانند منازل السائرین خواجه عبدالله انصاری و حکمت متعالیه ملاصدرا اثرگذار بوده است.

آنچه در پی می آید سخنان دکتر فرشته ندری ایبانه در این نشست است که توسط آناهد خزیر تنظیم شده است.

بوعلی سینا به عنوان طبیب و فیلسوف شناخته شده اما ابعاد عرفانی بوعلی سینا جای کار بسیاری دارد. آثار عرفانی به زبان طنز و کنایه و تمثیل است اما مهمترین آثار عرفانی بوعلی سینا مانند حی بن یقظان، رساله های الطیف، سلامان و ابسال، قصیده عینی، رساله تحفه و رساله ترغیب بر دعا، رساله الکشف عن ماهیه الصلاه، رساله الشفاء من خوف الموت، رساله سرّ القدر، رساله نیروزیه است که در این آثار ابن سینا ترجیح می دهد الهام را بر سایر طرق معرفت مطرح و توصیه کند به تمسک بر اسماء الهیه و احوال و اطوار عشق را توضیح می دهد. وی نماز را به دو بخش ظاهری و باطنی تقسیم می کند که منظور از نماز باطنی مشاهده ربانی و درک حقیقت الهی است یعنی در واقع ثواب و عقاب از دیدگاه عرفانی بوعلی سینا به قرب و بُعد تعبیر می شود که از اصطلاحات عرفانی است.

زیبایی اصطلاحات صوفیه ابن سینا در نمط العارفین

مهمترین اثر عرفانی بوعلی سینا مقامات العارفین نمط نهم کتاب الاشارات و تنبیهات است که کفایتی برای عاقلان و بیداری برای خفتگان است. نمط های هشتم، نهم و دهم این کتاب حاوی اصطلاحات عرفانی و بیان سیر و سلوک سالکان و کرامات اولیاء است که تعلق بوعلی سینا به عرفان اسلامی را به خوبی نشان می دهد. از نظر بوعلی سینا دین ظاهری و باطنی دارد. ظاهر دین برای عوام است زیرا توانایی درک باطن را ندارند اما خواص باید به باطن دین دست پیدا کنند. در واقع ارتقاء برداشت باطنی از دین که هماهنگ با ظاهر دین است از اهداف بوعلی سینا است که در آثارش به خوبی دیده می شود و در پایان عمر به اشراق نزدیک تر می شود و اثر برجسته نمط العارفین را می نویسد. اگر بخواهیم این اثر و تأثیر آن را بر عرفان و عرفای دیگر مثل کتاب و اثر معروف خواجه عبدالله انصاری و حکیم ملاصدرا بررسی کنیم نخست باید با نمونه هایی از بیان ابن سینا آشنا شویم. ابن سینا در نمط العارفین اصطلاحات صوفیه را به

زیباترین شکل بیان می‌کند. به قول امام فخر رازی نه هیچ کس قبل از ابن سینا و نه هیچ کس بعد از ابن سینا نتوانسته مقامات العارفین را به این زیبایی بیان کند. در نمط هشتم سعادت و نیکبختی و راه‌های وصول آن را توضیح می‌دهد و در نمط نهم سعادت انسان را رسیدن به قله بلند عرفان می‌داند. سرور و انواع آن را حسی و خیالی و وهمی و تعللی می‌داند و هر مرتبه‌ای مقدمه رسیدن به مرتبه بعدی است. فرق عرفان با اخلاق در همین ذومراتب بودن است که از یک مرتبه گذشتن و به مرتبه دیگر رسیدن است. عرفان روند طولی دارد و در مقابل اخلاق که فضایل اخلاقی در عرض همدیگر قرار می‌گیرند.

سیر و سلوک عارفانه بوعلی سینا در سه پله و سه مرتبه

بوعلی سینا زهد و عبادت و عرفان را تعریف می‌کند تا به اینجا برسد که زهد و عبادت برای عارف به این معنی است که حق را فقط برای حق می‌خواهد و چیزی را بر آن مقدم نمی‌داند. زهد و عبادت نخستین درجات و مقدمات نیل به حق است و باید از آن گذر کرد. بنابراین وقتی عبارات بوعلی سینا را می‌بینیم و مراتبی را که مطرح می‌کند به نکته‌ای می‌رسیم که آن تقسیم صناعی است و برخلاف تقسیمات استقرایی جای هیچ شک و تردیدی در آن نیست. ابن سینا وقتی می‌خواهد مقامات عارفین را مطرح کند، دو مقدمه می‌آورد؛ اراده برای انتخاب راه و ریاضت برای از میان برداشتن موانع خارجی و داخلی و در نتیجه تلطیف درون است. بعد از این دو مقدمه مراحل سیر و سلوک شروع می‌شود و بوعلی سینا سه مرتبه و در هر مرتبه، سه پله را لحاظ می‌کند.

اولین مرتبه ورود است. از نظر بوعلی سینا هر راهی یک ابتدا و یک انتها و یک وسط در مسیر دارد. ابن سینا با روش علمی و تقسیم صناعی ابتدا وسط و انتهای هر مسیر را مشخص می‌کند. اولین مرتبه که عارف بعد از اراده و ریاضت می‌رسد ورود به مرتبه خلسه است که در این حالت مشاهده نور حق است و به تدریج در این حالت استقرار پیدا می‌کند و این حالت برایش ملکه ایجاد می‌کند و ملکه اتصال حاصل می‌شود که میانه راه اول است و در نهایت به استعمال تلبیس روی می‌آورد یعنی حالتش را کتمان می‌کند تا دیگران از حال او باخبر نشوند. در ابتدا که درخلسه بود همه از اوضاع و احوال او مطلع بودند ولی در این مرحله به جایی می‌رسد که در ضمن ملکه کردن این حالت آن را پنهان کند.

مرتبه دوم در سه پله آغاز می‌شود پله اول حیرت و تبدیل وحی به آرامش است یعنی به جایی می‌رسد که دیگر عارف از ورود حالات دچار تردید نمی‌شود بعد در پله دوم حاضر غایب است در عین اینکه خودش حاضر است در عین حال از نظر دیگران غایب است. وقتی این مرحله را طی می‌کند پله سوم از مرتبه دوم حاصل می‌شود که فتح و گشایش درهای وصول است. عارف چون به فتح و گشایش برسد وارد مرتبه سوم می‌شود و توجه به اسامی مثل کتاب فتوحات مکیه ابن عربی اهمیت رسیدن به مرتبه فتح را نشان می‌دهد اما مرتبه سوم که در سه پله است نخست عروج و اتصال به عالم قدس، دوم تردد و انتهای ریاضت به میل و وصل است. در مرتبه تردد عارف هم خود را بیند و هم خدا را. اما چون به وصول کامل برسد که مرتبه سوم در پله سوم است عارف فقط حق را می‌بیند و جز حق را نمی‌بیند.

بوعلی سینا نمط العارفین را در احوال صوفیه مطرح می‌کند

این مراتبی است که ابن سینا مطرح می‌کند اگر بخواهیم با سایر عارفان مطالعه تطبیقی داشته باشیم، می‌دانیم که در سیر و سلوک عارفانه سه پله و سه مرتبه داریم مرتبه تخلیه که امری سلبی است مرتبه تحلیله که امری ایجابی است و در نهایت تجلیه که تجلی نور حق در دل سالک است. ابن سینا با توجه به این سه مرتبه عرفان و مراتب عرفانی

را در سه مرتبه و در سه پله مطرح می‌کند. تقسیمات ابن سینا بسیار دقیق است و تخلیه را در چهار مرتبه توصیف می‌کند که هر کدام از این‌ها یکی بعد از دیگری به مرتبه کمال تخلیه اشاره می‌کند. تخلیه هم مراتبی دارد اما ابن سینا آن را توصیف نمی‌کند و می‌گوید از این به بعد راه بسیار است. اینجا دیگر دیدنی است و شنیدنی نیست برای اهل معرفت است که توجه به این مرتبه می‌شود.

اگر بخواهیم به احوال ظاهری عارفان بپردازیم بوعلی سینا در نمط العارفین بحث اخلاق ظاهری عارفان را به خوبی مطرح می‌کند. آنچه در کتاب‌های اخلاقی به عنوان عرفان یا در کتاب‌های عرفانی به عنوان اخلاق مطرح شده است، بوعلی سینا می‌گوید عارف دارای حالات ظاهری است، پاکیزه، گشاده رو، متواضع، اهل تجسس و خبرگیری از دیگران نیست و ناصح و دلسوز و غیور و شجاع و بخشنده است. کینه‌ها را فراموش می‌کند و برای هر کدام از این صفات اخلاقی توجیه عقلانی مطرح می‌کند. بوعلی سینا در عرفان از عقل فاصله نمی‌گیرد و مطالب عرفانی نیز با توجیه عقلانی مطرح است.

بوعلی سینا نمط العارفین را در احوال صوفیه مطرح می‌کند و ارتباط میان عارف و صوفی معمولاً مطرح می‌شود و گاهی به قول ملاصدرا جهله صوفیه تصور می‌کنند که عارف وقتی به این مراتب رسید نیازی به انجام تکلیف و عبادت و مسایل شرعی ندارد. بوعلی سینا در قرن چهارم پاسخ این سوال را مطرح می‌کند و می‌گوید تکلیف از شرایط عقلانیت است و عارف در آن مراتب اولیه و همان پله خلسه ممکن است که گاهی از خود بیخود شود و در واقع چیزی را درک نکند و آن که درکی نداشته باشد تکلیفی ندارد. یعنی در مرتبه نازله عرفان است نه در مرتبه کامله عرفان که مرتبه وصل است و جایی است که عارف حتی خود و عبادتش را نمی‌بیند و جز خدا را نمی‌بیند.

تأثیر ابن سینا بر متون عرفانی و کتاب «منازل السائرين»

ابن سینا بیان می‌کند که تعداد واصلین به حق بسیار کم هستند چون گوهره‌ای برای بیان عرفان لازم است که در همه کس پیدا نمی‌شود و بیان می‌کند که اگر کسی نمی‌تواند این مقامات را درک کند بهتر این است که خود را ملامت کند که شایسته این مقام نیست. همان‌طور که در مقدمه گفته بود هر کس که این مراتب را بشناسد عارف را تعظیم می‌کند و هر کس که این مراتب را نشناسد و جاهل باشد در صدد نفی و انکار این مراتب برمی‌آید.

اگر بخواهیم تأثیر ابن سینا را بر متون عرفانی دیگر ببینیم شاید یکی از مهمترین آثار عرفانی کتاب «منازل السائرين» خواجه عبدالله انصاری به زبان عربی است و «صد میدان» ایشان به زبان فارسی است. خواجه عبدالله در این مراتب عرفانی ۱۰ مرتبه را مطرح می‌کند و در هر مرتبه ۱۰ پله. خواجه عبدالله انصاری تلاش می‌کند که با تبیین و توضیح به بیان صد مرتبه بپردازد بدون ذکر مقدماتی که ابن سینا در ابتدا مطرح کرده بود یعنی اراده و ریاضت و این دو مقدمه در متن صد میدان و منازل السائرين قرار می‌گیرد چون آنچه خواجه عبدالله می‌گوید به اخلاق نزدیک‌تر است یعنی مراتب عرفانی را مثل فضایل اخلاقی در عرض همدیگر مطرح می‌کند در حالی که بوعلی سینا آن را در طول همدیگر قرار داده بود که یکی بعد از دیگری مطرح می‌شود.

امتیاز نمط العارفین بر اثر خواجه عبدالله انصاری

خواجه عبدالله انصاری وقتی این مراتب را مطرح می‌کند از بدایات شروع می‌کند که ده پله در این مساله مطرح است از آن به حزن می‌رسد، معاملات، اخلاق، اصول، اودیه، احوال، ولایات، حقایق و نهایات که از معرفت شروع می‌شود و

به توحید می‌رسد و آن چیزی است که بوعلی سینا نهایت را وصل می‌داند که دیدن خداست و جز خدا چیزی نیست و اصل توحید در این مساله است. اگر بخواهیم امتیاز نمط‌العارفین را بر کتاب خواجه عبدالله انصاری بیان کنیم به چند نکته اشاره می‌کنیم. نخست ایجاز که بوعلی سینا بسیار مختصر و مفید و جامع و مانع مراتب را مطرح می‌کند تا به توحید برسد که از نظر خواجه عبدالله انصاری پله دهم از مرتبه دهم است و از نظر بوعلی سینا پله سوم از مرتبه سوم است. نکته دوم این است که روش بوعلی سینا تعلیمی است یعنی نگاه بیرونی به عرفان دارد. اگر کسی هم اهل عرفان نباشد حالات و احوال عارفان را درک می‌کند در حالی که روش خواجه عبدالله انصاری روش تادیبی است برای کسانی که اهل این معرفت هستند. تأثیر ابن سینا بر خواجه عبدالله انصاری و سپس بر ملاصدرا که صاحب حکمت متعالیه است بر متون عرفانی آن‌ها بسیار بوده است.

روش گذشتگان ما این بود که استنباط مطالب را بدون استناد مطرح می‌کردند اما ملاصدرا بر شرح محقق طوسی بر ابن سینا استناد می‌کند. کتاب‌الاشارات و التنبیهات شروح متعددی دارد که یکی از بهترین شرح‌هایی که بر آن نوشته شده شرح خواجه نصیرالدین طوسی است. ملاصدرا در حکمت متعالیه و شواهد ربوبیه و مبدا و معاد و سایر آثارش حقیقت را گم‌شده انسان می‌داند و درصدد برداشتن حجاب از چهره حقیقت است، از طریق تقویت عقل عملی و تکمیل نفس از طریق عبادت و ریاضت. همان که ابن سینا در واقع زاهد و عابد را معرفی کرده بود. ملاصدرا معتقد است که تقویت عقل عملی از طریق ترک مشتهیات و اعراض از معاصی و تزکیه نفس از رسائل و مستعد کردن روح و لطیف ساختن باطن انجام می‌شود و بعد مراتب قوای عملی را توضیح می‌دهد که عبارت است از تهذیب ذاهب با به کارگیری نوامیس الهی و شرایع نبوی همان که بوعلی سینا بر آن تأکید داشت.

اصطلاحات عرفانی که بعد از بوعلی سینا به کار برده شد

بوعلی سینا در نمط‌العارفین به بحث نبوت و دین و لزوم عبادت تأکید دارد و عبادت و تکرار عبادت و ظاهر عبادت را وسیله‌ای می‌داند برای حفظ دین و حفظ دین را برای حفظ قانون و حفظ قانون را برای حفظ نوع بشری. بعد از تهذیب ظاهر و به کارگیری نوامیس الهی و شرایع نبوی مرتبه دوم آغاز می‌شود که تهذیب باطن و تطهیر قلب از اخلاق زشت و ظلمانی است. همان مباحثی که بوعلی سینا تحت عنوان مراتب تخلیه در نمط‌العارفین به آن‌ها اشاره کرده است اما مرتبه سوم نورانی کردن نفس به صفات پسندیده است که بوعلی سینا آن را تحت عنوان اخلاق ظاهری عارفان مطرح کرده و مرتبه چهارم فنای نفس از ذات خود و توجه به رب‌الاول و کبریای الهی است که نهایت سیر الی‌الله است؛ به قول ابن سینا وصول و به قول خواجه عبدالله انصاری توحید.

بعد از این برای نفس مراتب بسیاری است که از پیشین کمتر نیست اما ملاصدرا به مانند ابن سینا اختصار درون را می‌پسندد چرا که این مراتب با مشاهده تحصیل شود نه با بیان و مشافهه. ملاصدرا کاملین را دعوت می‌کند برای طی مراحل دیگر. آنچنان که ابن سینا دعوت می‌کند و می‌گوید اگر از اهل مشاهده هستی وارد مراتب دیگر باش. بنابراین می‌بینیم که همان اصطلاحات عرفانی که بوعلی سینا به کار برده در متون عرفانی بعد از بوعلی سینا در مراتب عرفان عملی به وضوح دیده می‌شود، یعنی رسیدن به مقام تمکین و طمانینه الهی.

انسان‌هایی که جوهره لازم برای درک مقامات عرفانی را ندارند!

بنابراین عارفان معتقدند که باید انوار ملکوت در وجود سالک محقق شود، کوه انانیت منکد بشود تا جلوه الهی حاصل شده و به نهایت محو برسد که نهایت سفر اول سالکین است. آنچه که ابن سینا آن را وصول و انصاری آن را توحید و

ملاصدرا آن را محو نامیده است اما بعد از محو باید به مقام صحو رسید که در غیر این صورت عارف در وحدت می ماند و کثرت در نزد او مضمحل می شود و برای هدایت خلق سالک باید از مقام محو به مقام صحو برگردد. به قول ابن سینا در عین جمع باید به تفصیل برسد آنچنان که در وصف رسول الله در بیان مقامات ایشان آمده است. پس سعادت اتم انسان رسیدن به سعادت فوه عقلیه است.

چرا بعضی از انسانها به این سعادت دست پیدا نمی کنند؟ به قول ملاصدرا به تاسی و تاثیر از ابن سینا موانع عبارتند از نقصان جوهر ذات. بعضیها جوهره لازم برای درک مقامات عرفانی را ندارند به تعبیری که ابن سینا از تعبیر دین آن را نقل می کند. دوم به جهت خبث ذات و کثرت گناهان که به قول ابن سینا برای ترک گناه باید به زهد و عبادت روی آورد. برای همین است که زهد و عبادت مقدمه و لازمه عرفان است و بدون این مقدمه عرفان معنای خود را پیدا نمی کند. مانع سوم عدول از جهت حقیقی و واقعی است، یعنی قلب عارف در مسیر عرفان قرار نگرفته و همتش مصروف به عرفان نشده چون مشغول معیشت و معاشرت است و گرفتار امور دنیاست برای همین است که بوعلی سینا ابتدا همت را مطرح می کند و بیان می کند که همت و اراده مقدمه لازم است و تا این دو مرتبه نباشد ۹ مرتبه بعدی حاصل نخواهد شد.

حجاب چهارم که ملاصدرا به عنوان مانع درک حقیقت مطرح می کند حجاب اعتقادات تقلیدی و قبول از روی خُسن ظن است که عارضه متعصبین است و بوعلی سینا از ابتدا مطرح کرده که انسان باید با تصدیق ایمانی و استدلال برهانی طریق را بپذیرد و الا بدون ایمان کامل و عقلانیت و استدلال عقلانی آنچه که انسان به آن وابسته باشد ولو به خاطر قبول از کسی که از او تقلید می کند خودش حجاب خواهد شد به جای اینکه انسان را به حقیقت برساند.

ابن سینا با بال عقل و شهود به حقیقت دست پیدا کرد

مباحث ملاصدرا شرحی است بر نمطالعارفین ابن سینا و مسند آن شرح محقق طوسی است که نشان می دهد دسترسی ملاصدرا به شرح محقق طوسی بر نمطالعارفین بوعلی سینا. ابن سینا سعی می کند که دو بال عرفان و حکمت و فلسفه را گسترده کند و مراتب را به گونه ای معرفی کند که بعد از او اثر تعالیم ابن سینا در منطق الطیر عطار و در لواط جامی و در دیگر آثار عرفانی مشخص و معلوم باشد. نتیجه این که مراحل تحصیل معرفت به عنوان سفر در هر یک از این آثار معرفی شده که باید با پیمودن این اسفار با دو بال عقل و شهود به حقیقت دست پیدا کنیم. به این ترتیب ما تاثیر بوعلی سینا قرن چهارم را بر سایر عارفان عرفان عملی تا قرن یازدهم ملاصدرا و تاکنون بر آثار عرفانی معاصر می بینیم.

